

زیدیه

زیدیه کسانی هستند که معتقد به امامت زید پس از امام حسین هستند. البته باید حساب زید را از زیدیه جدا دانست زیرا او طبق روایات ما یک شیعه‌ی امامی بوده است و هدفش از قیام، مبارزه با ظلم و بازگرداندن حکومت به اهل بیت بوده است.

عقیده زیدیه در باب امامت: آنان تنها به سه امام منصوص معتقدند و پس از امام حسین، کسی که این شرایط را احراز کند امام است:

- جهاد با ستمگران و قیام مسلحانه
- فاطمی بودن
- معرفت نسبت به دین
- شجاعت

آنان در باب عقاید بیشتر از معتزله و در باب فقه از ابوحنیفه تأثیر پذیرفته‌اند.

تفاوت مهم زیدیه و امامیه در مسأله امامت:

- زیدیه به سه امام منصوص معتقدند
- شرط امام را مبارزه‌ی مسلحانه می‌دانند

فرقه‌های زیدیه

۱. جارودیه (سرحوبیه): پیروان ابو جارود که ملقب به سرحوب بوده است. از نگاه آنان، پیامبر، علی را با نام معرفی نکرده است بلکه تنها اوصاف امام بر حق را مشخص کرده که این شرایط تنها منطبق بر امام علی است و دیگران با انتخاب ابوبکر، گمراه شدند. این عقیده حد وسط عقیده‌ی امامیه و اهل سنت است.

در مورد امامان بعدی دو نظر میان آنان وجود دارد:

- علی بر امامت حسن و حسن بر امامت حسین تصریح فرمودند و پس از امام حسین هر کس که قیام کند و عالم باشد، امام است
- پیامبر بر امامت هر سه امام تصریح کرده است

۲. سلیمانیه: پیروان سلیمان بن جریر هستند که بیشتر متمایل به اهل سنت هستند. از نگاه آنان، امام با شورا و توسط مردم انتخاب می‌شود. در مورد امام علی هم مردم مفضل را بر افضل ترجیح دادند.

آنان عثمان را به خاطر کارهایش قبول ندارند و عایشه و طلحه و زبیر را به دلیل جنگ با امام علی، کافر می‌دانند.

با توجه به اعتقاد آنان به انتخابی بودن امامت باید آنان را سنی دانست و دلیل زیدی شمردن آنان دو دلیل می‌تواند باشد:

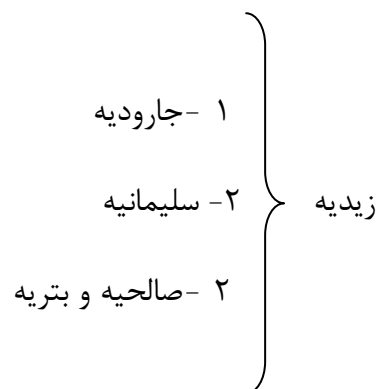
➤ آنان مانند دیگر فرق زیدیه، تقیه را جایز نمی‌دانند و قیام مسلحانه را واجب می‌دانند

➤ آنان همانند زید به امامت مفضول با وجود فرد افضل معتقد بوده‌اند.

۳. صالحیه و بتریه: که معمولاً با هم ذکر می‌شوند. آنان امامت مفضول را با رضایت افضل، صحیح می‌دانند و خلافت ابوبکر و عمر به دلیل رضایت امام علی، درست بوده است. آنان در مورد عثمان و ایمان و کفر او توقف می‌کنند. هر کس از فرزندان علی که شجاع، عالم و زاهد باشد و قیام کند، امام است.

نکته: هر سه فرقه‌ی زیدیه مانند خوارج، مرتکبین کبیره را خالد در آتش می‌دانند.

نمودار:



تست‌ها:

* به اعتقاد کدام یک از فرقه‌های زیدیه، پیامبر (صلی الله علیه و آله) فقط اوصاف امام بر حق را

بیان کرده‌اند؟

الف) جارودیه (ب) سلیمانیه (ج) صالحیه (د) بتریه

* دیدگاه صالحیه و بتریه در مورد عثمان چیست؟

الف) توقف درباره کفر او (ج) توقف درباره ایمان و کفر او

(ب) توقف درباره ایمان او (د) توقف درباره نفاق او

اسماعیلیه

اسماعیلیه هفت امامی هستند و پس از امام صادق، اسماعیل را امام هفتم می‌دانند. آنانرا باطنیه نیز می‌خوانند و علت این نامگذاری این است که به طور افراطی به تأویل آیات و روایات می‌پردازند. از نگاه آنان فلسفه‌ی امامت، بیان معارف باطنی دین است.

فرقه‌های اسماعیلیه

۱. **اسماعیلیه خالصه**: گروهی که مرگ اسماعیل را انکار کردند و معتقد بودند او امام قائم است که غایب شده
۲. **مبارک‌یه**: رئیس آنان مبارک نام داشت. معتقد بودند اسماعیل مرده و امام صادق، محمد فرزند اسماعیل را به عنوان امام انتخاب کرده است. این گروه خود به دو بخش تقسیم شدند:
 ۱. **فاطمیان**. مرگ محمد را پذیرفتند و سلسله‌ی امامان را در نسل او پذیرفتند.
 ۲. **قراطمه**. مرگ محمد را نپذیرفتند و او را امام قائم دانسته و معتقد شدند که غیبت کرده است.

فاطمیان:

آنان امامت را در نسل محمد جاری می‌دانند و امامان را به دو قسم ظاهر و مستور تقسیم می‌کنند. هفت امام اول امامان ظاهر بودند و سپس دوره‌ی امامان مستور فرا رسید. دوباره در زمان عبیدالله ملقب به المهدی بالله دوره‌ی امامان ظاهر فرا رسید.

انشعاب در فاطمیان:

پس از مرگ هشتمین امام ظاهر (مستنصر بالله) در مورد خلیفه‌ی وی اختلاف شد. برخی فرزند بزرگتر یعنی نزار را امام دانستند و برخی (با دخالت وزیر مستنصر) مستعلی را. نزاریه توسط حسن الصباح در الموت تشکیل حکومت دادند. در این زمان دو حکومت اسماعیلی وجود داشت. **مستعلیه** در مصر و **نزاریه** در ایران که هر کدام مشغول تبلیغ و دعوت بودند. دعوت مستعلیان را دعوت قدیم و دعوت نزاریان را دعوت جدید خوانده‌اند.

ویژگی اعتقادی فاطمیان و تفاوت آنها با سایر فرق

آنان بر خلاف قرامطه و همچنین اسماعیلیان نخستین، تنها به باطن معتقد نیستند بلکه ظاهر و باطن را مکمل یکدیگر می‌دانند. از نگاه آنان، امام اسماعیلی، امام ناطق و قرآن امام صامت است.

درجات امامت از نگاه اسماعیلیان (به استثنای قرامطه)

۱. امام مقیم، رسول ناطق را ارسال می‌کند (رب الوقت)
۲. امام اساس، همراه رسول ناطق می‌آید و کمک اوست. امامان مستقر از نسل اویند
۳. امام مستقر، امامی که امام پس از خود را تعیین می‌کند
۴. امام مستودع که به نیابت از امام مستقر، شئون امامت را انجام می‌دهد (نائب الامام)

قرامطه

موسس این فرقه حمدانبناشعث است. وی فردی زاهد بود که طرفدارانی پیدا کرد. بعدها مالکیت خصوصی را لغو کرد و مالکیت اشتراکی را بنیان نهاد. بعدها پیروان وی موفق به تشکیل حکومت در بحرین شدند و فجایی را به بار آوردند. از جمله اینکه به مکه حمله کرده و زوار را کشتند و حجر الاسود را همراه خود بردند.

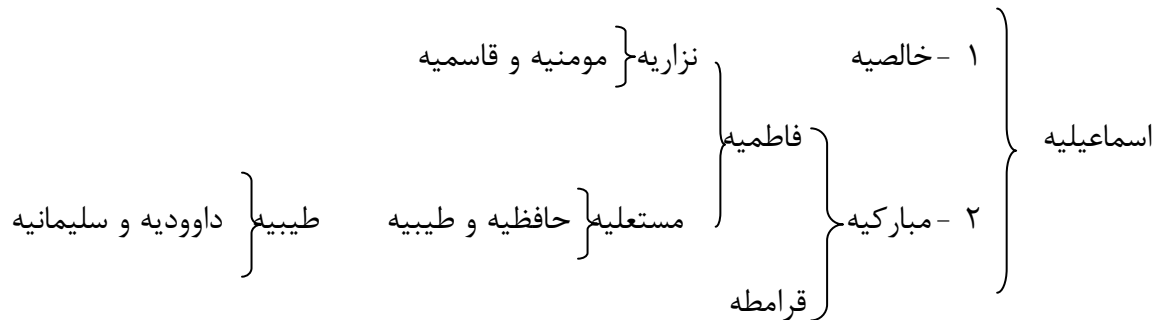
عقاید:

بیش از دیگر فرق اسلامی به باطنی‌گری و ضدیت با عقاید و احکام قطعی و اجماعی مسلمانان مبادرت می‌کردند. به گونه‌ای که نمی‌توان آن را فرقه‌ای اسلامی نامید. آنان محمد بن اسماعیل را امام هفتم دانسته و علاوه بر این او را پیامبر می‌دانند. وی صاحب شریعت جدید و دین جدید است و آخرین پیامبر اولوالعزم است.

پیامبران اولوالعزم هفت نفرند: نوح، ابراهیم، موسی، عیسی، محمد، علی، محمد بن اسماعیل

آنان معتقدند که قرآن و سنت دارای ظاهر و باطن است. عمل به ظاهر موجب گمراهی و عمل به باطن موجب نجات است. و مهم‌ترین قیام آن‌ها در بحرین رخ داد.

نمودار:



تست ها:

* به اعتقاد کدام یک از فرقه‌ها محمد بن اسماعیل امام هفتم و آخرین امام است؟

الف) قرامطه ب) اسماعیلیه خالصه ج) اسماعیلیه د) مبارکیه

* کدام فرقه اسماعیلی را نمی توان فرقه اسلامی خواند؟

الف) قرامطه ب) طیبیه ج) مبارکیه د) مستعلیه

بخش سوم: اهل سنت

اهل سنت به معنی پیروان سنت (قول، فعل و تقریر) پیامبر است.

در اصلاح خاص به کسانی گفته میشود که معتقد به وجود نص بر امام و خلیفه نیستند و تعیین خلیفه را بر عهده‌ی مسلمانان می‌دانند.

معتزله

اعتزال به معنی کناره گیری است.

معتزله نخستین بار بر یک گروه **سیاسی** اطلاق شد:

- کسانی که پس از خلافت امام علی از امام کناره گیری کردند
- کسانی که از امام حسن و معاویه کناره گیری کردند

معتزله‌ی کلامی:

پایه گذار این مکتب، واصل بن عطا است و علت نام گذاری معتزله:

- اعتزال از درس حسن بصری
- اعتزال از امت اسلامی

علت کناره گیری وی، بحث ایمان و کفر مرتکب کبیره بود.

اعتقادات واصل بن عطا:

۱. منزله بین المنزلتین: میان کفر و ایمان مرتبه‌ای وجود دارد که مربوط به مرتکب کبیره است.
۲. نفی صفات: لازمه‌ی اثبات صفات قدیم برای خداوند، تعدد الهه است.
۳. اختیار انسان: جایز نیست که خدا انسان را مجبور کند و سپس عقاب کند؛ پس انسان مختار و آزاد است.
۴. حق و باطل: در مورد علی و مخالفان و عثمان و مخالفانش، یکی حق بودند و دیگری باطل اما مشخص نیست که کدام.

مکتب اعتزال در بصره به وجود آمد و رشد کرد اما بعدها بشر بن معتمر، معتزله‌ی بغداد را پایه گذاری کرد که به شیعه نزدیک بودند (معتزله‌ی شیعی).

بزرگان معتزله‌ی بصره: ابوعلی جبائی، ابوهاشم جبائی، قاضی عبد الجبار

بزرگان معتزله‌ی بغداد: کعبی، اسکافی و خیاط

روش کلامی معتزله

آنان به شدت عقل گرا بودند. از نگاه آنان، هر مسأله‌ای را باید بر عقل آدمی عرضه کرد، اگر موافق با عقل بود مورد قبول است و الا خیر. مبنای آنان این بود که تمام معارف اعتقادی، معقول است و جایی برای تعبد وجود ندارد.

نقش نقل نیز تنها ارشاد به حکم عقل است و منبع مستقلی به شمار نمی‌آید.

علت زیاده روی معتزله در عقل گرایی این بود که آنان در صف مقدم مبارزه با زنادقه و کفار قرار داشتند و برای تحکیم عقاید دینی از ادله‌ی عقلی که مورد قبول همگان باشد استفاده می‌کردند.

اعتقادات مهم معتزله

۱. **توحید:** آنان معتقد به توحید صفاتی و منکر توحید افعالی بودند.
نظریات مختلف معتزله در توحید صفاتی:
 - اصل: انکار صفات زاید بر ذات
 - ابو الهذیل علاف: عینیت صفات با ذات
 - ابوعلی جبائی: نیابت ذات از صفات
 - ابوهاشم جبائی: صفات به معنی حال است که نه معدوم است و نه موجود و تنها قائم به ذات است.
۲. **عدل:** افعال دارای حسن و قبح ذاتی هستند و عقل هم قادر به درک آن است. پس خداوند تنها کاری را می‌کند که عقل آن را حسن بداند و از کاری که عقل آن را قبیح می‌داند پرهیز می‌کند.
۳. **منزله بین المنزلتین**
۴. **وعد و وعید:** تحقق وعد و وعید لازم است. (بر خلاف دیگران که تحقق وعید را لازم نمی‌دانند)
۵. **امر به معروف و نهی از منکر:** وجوب آن مشروط به دو شرط احتمال تأثیر و عدم مفسده است. بله در صورت شیوع منکرات، قیام لازم است.

تست‌ها:

- * نخستین بار واژه معتزله بر چه کسانی اطلاق شد؟
- (الف) کناره‌گیرندگان از یزید
 - (ب) کناره‌گیرندگان از حسن بصری
 - (ج) کناره‌گیرندگان از عثمان
 - (د) کناره‌گیرندگان از امام علی (علیه السلام)
- * کدام تفسیر برای جمله «إِنَّ الْبَارِيَّ تَعَالَى عَالِمٌ لِّذَاتِهِ» درست‌تر است؟
- (الف) علم خدا، ذاتی خدا است. (ب) خدا به ذات خویش، عالم است.
 - (ج) علم خدا، عین ذات خدا است. (د) خدا علم ندارد و عالم نیست.
- * نظر معتزله در مورد امر به معروف و نهی از منکر چیست؟
- (الف) حدّ دارد، اما شرط ندارد. (ب) شرط دارد، اما حدّ ندارد. (ج) شرط و حدّی ندارد (د) هم حدّ و هم شرط دارد

اهل حدیث

روش فقهای اهل سنت در فقه بر دو گونه است:

۱. فقهای عراق: از عقل به گسترده ترین شکل، استفاده می کردند و حتی قیاس را در برخی موارد، بر نقل مقدم می کردند (مانند ابوحنیفه) که به اصحاب رای مشهور بودند.
۲. فقهای حجاز: تنها نقل را معتبر می دانستند و کلام را چه عقلی (که عقل منبع مستقل است) و چه نقلی (که عقل لوازم عقلی نقل را ثابت می کند) بی اعتبار می دانستند. آنان حتی نقش عقل را در دفاع از عقاید دینی نیز منکر می شدند. (مالک، شافعی، و احمد) که به اصحاب حدیث یا اهل حدیث معروف بودند.

اعتقادنامه‌ی احمد حنبل:

- ایمان عبارتست از نیت، قول و عمل
- تمام رخدادهای، قضا و قدر الهی است
- خلافت از آن قریش است
- جهاد تنها باید همراه امام باشد (ولو ظالم)
- نماز جمعه و عیدین تنها با امام صحیح است
- قرآن مخلوق نیست
- صدقات و خراج از آن امام است (ولو ظالم)
- اطاعت از سلطان در معصیت جائز نیست اما خروج بر وی هم جائز نیست.

تست ها:

* کدام گزینه در مورد اهل الحدیث درست نیست؟

- (الف) عقل فقط می‌تواند از دین دفاع کند (ب) کلام عقلی مردود است
(ج) کلام نقلی مردود است (د) نقل، منبع عقاید است
- * کدام گزینه در مورد عقاید ابن‌حنبل درست است؟

- (الف) ایمان نیت و عمل است و دارای درجاتی است (ب) جهاد باید همراه با امام عادل باشد.
(ج) اطاعت از سلطان در معصیت جایز نیست. (د) قرآن کلام خدا و مخلوق است

اشاعره

اشعریگری راهی بین افراط معتزله و تفریط اهل حدیث در عقل‌گرایی است. موسس این مکتب ابوالحسن اشعری است. اشعری ضمن اصالت دادن به نقل برای عقل‌نقش‌تبیینگری و مدافع‌گری را پذیرفت.

آرای مهم اشعری:

۱. صفات خبریه: صفات خبریه یا همان صفاتی که در اخبار وارد شده است حقیقت دارد اما بلاتشبیه و بلاتکییف. بنابر این واقعا خدا دست دارد اما دست خدا بدون کیفیت است.
(در حالی که معتزله صفات خبریه را انکار و اهل حدیث، ثابت می‌دانستند)
۲. رؤیت خدا: خدا دیده می‌شود اما نه مانند سایر اجسام. دلیلشان این است که هر چیزی که موجود است قابل رؤیت است و خدا چون موجود است پس قابل رؤیت است (دلیل الوجود)
۳. جبر و اختیار: قضا و قدر الهی عمومیت دارد و حتی افعال انسان را هم خدا می‌آفریند اما انسان هم دارای نقش کاسب است.
معنی کاسب آن است که اگرچه خداوند، افعال انسان را می‌آفریند اما انسان در حال انجام فعل، احساس آزادی و اختیار می‌کند و در نتیجه در طول قدرت و فعل خداوند، انسان آن فعل را کاسب می‌کند. بنابر این کاسب بودن در اینجا به معنی محل کاسب بودن است و نه ایجاد کاسب.
بدیهی است که این نظریه نیز همان جبر است و تفاوت واقعی با آن ندارد.
۴. کلام خدا: کلام لفظی حادث است و کلام نفسی خداوند، قدیم است (اهل حدیث، کلام را قدیم و معتزله حادث می‌دانستند)
۵. حسن و قبح افعال: اصلا افعال دارای حسن و قبح نیست و اگر هم باشد انسان قادر به درک آن نیست.
البته حسن و قبح سه معنی دارد:
 - کمال و نقص: مثلا علم، حسن است که بدهاها ذاتی است و عقل هم آن را درک می‌کند.
 - موافق و مخالف غرض بودن: مثلا کشته شدن دشمن که این هم امر نسبی است.
 - استحقاق مدح: همه‌ی افعال از این نظر، مقتضی حسن و قبح شرعی است یعنی شارع می‌گوید که کدام کار خوب و کدام کار بد است.
۶. تکلیف مالایطاق: جایز است زیرا هر کاری خدا انجام دهد نیکو است.

گسترش مکتب اشعری به دست امام الحرمین جوینی صورت گرفت و در زمان وی، مکتب اشعری بیشتر شکل عقلانی گرفت. در زمان فخر رازی شکل فلسفی گرفت و نهایتاً در زمان غزالی، به عرفان گرایید.

تست ها:

* از نظر اشعری کسب چیست؟

- الف) کسب، تأثیر قدرت انسان در فعل است.
ب) کسب، مقارن بودن خلق فعل با خلق قدرت حادث در انسان است.
ج) کسب، تأثیر قدرت خدا در فعل مقارن با تأثیر قدرت انسان در فعل است.
د) کسب، یعنی محل واقع شدن انسان برای فعلی که خدا آن را خلق می‌کند.

* اشاعره کدام معنای حسن و قبح را قبول ندارند؟

- الف) ملایم و منافر طبع بودن
ب) کامل و ناقص بودن
ج) استحقاق مدح و ذم داشتن
د) موافقت و مخالفت با مقصود

* بیشترین تأثیر در تثبیت مذهب اشعری پس از اشعری از آن کیست؟

- الف) جوینی ب) فخر رازی ج) غزالی د) مولوی

* کدام گزینه درباره صفات خبریه درست است؟

- الف) همه اهل الحدیث به نظریه تشبیه و تکلیف معتقدند
ب) معتزله به نظریه تفویض معتقدند.
ج) اشعری به نظریه نفی بلا تشبیه قائل است
د) صفات خبریه صفاتی هستند که در آیات و اخبار آمده است و عقل به خودی خود این صفات را برای خدا اثبات نمی‌کند.

ماتریدیه

ماتریدیه پیروان ابومنصور ماتریدی هستند. وی پیرو مذهب حنفی بود و به عقل به عنوان یک منبع مستقل نگاه می‌کرد. همانگونه که اشعری حد وسط اهل حدیث و معتزله است، ماتریدی نیز میانه اشعری و معتزله است. وجه تمایز اشعری و ماتریدی: اشعری از عقل صرفاً در مقام تبیین و دفاع از عقاید دینی بهره می‌برد، ماتریدی‌ها علاوه بر اینها در مقام کشف و دریافت اصول نیز از عقل استفاده می‌کردند.

مهمترین عقاید ماتریدی:

۱. حسن و قبح افعال: حسن و قبح عقلی مورد قبول است
 ۲. تکلیف مالایطاق: عقلا قبیح است
 ۳. جبر و اختیار: اراده از سوی انسان است اما ایجاد فعل خارجی، کار خداست. مهم ترین دلیل او بر اختیار انسان وجدان است.
 ۴. رؤیت خدا و صفات خبریه: ممکن است و دلیل آن صرفاً نقلی است اما چگونگی آن مشخص نیست. او چگونگی رویت را با عدم ارائه تفسیر و اعتقاد به تفویض توجیه کرد.
- ماتریدی در کلام الهی با اشعری توافق دارند.

تست ها:

- * ماتریدی پیرو کدام مذهب فقهی بود؟
الف) مالکی (ب) حنفی (ج) شافعی (د) حنبلی
- * ماتریدی، حدّ میانی کدام مذاهب است؟
الف) اهل الحدیث و معتزله (ب) امامیه و اهل الحدیث (ج) اشاعره و اهل الحدیث (د) اشاعره و معتزله
- * نظر ماتریدی در مورد صفات خبریه چیست؟
الف) تفویض (ب) تأویل (ج) اثبات بلا تشبیه (د) اثبات بلا کیف

وهابیت

ابن تیمیه بنیانگذار این آیین بود که همانند اهل حدیث و حنابله، منکر علم کلام بود. اکثر علمای هم عصر وی به مخالفت با او پرداختند تا اینکه در قرن دوازدهم محمد بن عبدالوهاب ظهور کرد. او با حمایت های محمد بن مسعود (جد آل سعود) به قدرت رسید. ردّیه های زیادی بر آرای وی نوشته شد و اولین ردّیه با نام «الصواعق الالهیه فی الرد علی الوهابیه» توسط برادرش سلیمان بن عبد الوهاب نوشته شد. و نخستین ردّیه عالمان شیعی از شیخ جعفر کاشف الغطا با نام « منهج الارشاد لمن اراد السداد » است.

آنان خود را سلفیه می خوانند در حالی که در مورد صفات خبریه میان سلف سه نظر وجود داشته است:

۱. تشبیه کامل صفات
۲. تأویل صفات به گونه‌ای که تشبیه نشود.
۳. تفویض و نظر ندادن

اما وهابیان تنها از عقیده‌ی اخیر که نظر احمد است پیروی می کنند.

حتی میان وهابیان و حنبلیها نیز تفاوت بسیاری وجود دارد. زیرا خود احمد به فضائل اهل بیت معترف است و اهل زیارت هم بوده است.

بنابر این تنها شباهت وهابیان با حنبلیها، اتخاذ نظر تفویض در مورد صفات خبریه و همچنین استناد به ظواهر روایات است.

شباهت وهابیان و خوارج:

خوارج دیگر مسلمانان را بر اساس تلقی خاص خود از ایمان و کفر، مشرک و کافر می خوانند. وهابیان نیز بر اساس تلقی خاصشان از توحیدعبادی بسیاری از آداب اسلامی را کفر و شرک میدانند.

امور شرک آمیز از نظر وهابیان:

زیارت قبور، توسل، تبرک، نذر برای قبور، اعتقاد به سلطه‌ی غیبی اولیاء، خدا را سوگند دادن به حق اولیاء، استدلال وهابیان: خدا یکی است و استمداد از هر کس دیگر مساوی با پرستش اوست. همانگونه که مشرکان مکه خدا را قبول داشتند اما بتها را به عنوان واسطه می پذیرفتند.

پاسخ:

۱. لازمه‌ی این حرف شرک خود وهابیان است زیرا تمام انسانها به هم محتاجند
۲. مشرکان به اشیایی توسل می جویند که بی خاصیت هستند در حالی که اولیا از سوی خداوند دارای مقام و توانایی هستند
۳. خداوند خود دستور به توسل و شفاعت آنان داده است.
۴. مشرکان برای بتها استقلال قائل بودند در حالی که مسلمانان، قدرت هیچ کس را مستقل از خدا نمی دانند.

تست ها:

* چه کسی در میان اهل سنت نخستین کتاب را در ردّ محمد بن عبدالوهاب نوشت؟

- الف) پدر محمد بن عبدالوهاب (ب) برادر محمد بن عبدالوهاب
ج) ابن القیم (د) کاشف الغطاء

* چه نسبتی میان وهابیان، عالمان و محدثان قرن دوم و سوم (سلفیه) وجود دارد؟

- الف) تساوی (ب) تباین (ج) عموم و خصوص من وجه (د) عموم و خصوص مطلق

* کدام گزینه درباره وهابیان نادرست است؟

- الف) به نظر وهابیان، توسل و طلب شفاعت از غیر خدا شرک است
ب) به نظر وهابیان، لازمه نفی بت پرستی، نفی توسل و طلب شفاعت از غیر خدا است
ج) لازمه حرف وهابیان این است که کمک گرفتن انسانها از یکدیگر شرک است
د) به نظر وهابیان، شفاعت امر مردودی است.

بخش چهارم: غلات

در علم فرق و مذاهب به گروههایی غالی گفته میشود که انسان را به مرتبه خدایی یا به فرد عادی را به مقام پیامبری رسانده باشند. این فرقه ها عبارتند از: دروزیه، اهل حق و نصیریه، شیخیه، بابیه و بهلجه در این میان تنها فرقه ضاله بابیه و بهاییه صریحا غالی و غیر مسلمان شناخته میشوند.

دروزیه

به کسانی گفته میشود که حاکم بامر الله را به درجه خدایی رساندند در مصر پدید آمد در سوریه رشد کرد و در حال حاضر پیروانش در سوریه و لبنان زندگی میکنند. موسس این فرقه فردی به نام دروزی بوده که با کمک حمزه بن علی این فرقه را پایه ریزی کردند. وبعد از قتلش حمزه این مذهب را ادامه داد. سازمانی که حمزه تاسیس کرد اصول عقاید دروزی را شکل میدهد. ارکان اصلاحات مذهبی این سازمان: عقل، نفس یا روح کلی، کلمه، مقدم وتالی که بعد از این ها مبلغین، مکاسرین و معتقدان عامه قرار می گیرند که افرادی تجلی این ارکان هستند.

عقاید دروزی ها

* تغییر دین و مذهب را جایز نمیدانند چون در همه ادیان جوهر توحید وجود دارد.

* به نسخ ادیان الهی اعتقاد ندارند

* قائل به تناسخ هستند

شیخ مرسل نصر رییس این مذهب در زمان حاضر این فرقه را به عنوان فرقه ای اسلامی، معتقد به خدا و پیامبر ﷺ و قرآن و امامت امامان تا امام صادق علیه السلام میدانند، سپس اسماعیل و بعد امامان فاطمی تا الحاکم معرفی میکند

تفاوت دروزیان با فاطمیان در این است که فاطمیان بعد از الحاکم به امامت الظاهر و المستنصر و... معتقد هستند ولی دروزیان غیبت الحاکم را باور کرده اند

اینها در احکام عملی از فقه حنفی تقلید میکنند ولی در بعضی مسائل با هم اختلاف دارند پس از حمزه و یارانش تا زمان حاضر چند عالم بزرگ در میان آنها ظهور کرده که بزرگترین آنها تنوخی و بعد از آن شیخ فاضل است

تست ها

* در ارکان سازمان دروزیه، حمزه بن علی، تجلی کدام رکن است؟

الف) نفس ب) کلمه ج) جناح الأيمن د) عقل

* کدام گزینه در مورد دروزیان درست است؟

الف) دلیل روگردانی از مذهب خاص، جهل به آن مذهب است.

ب) تناسخ امری مردود است.

ج) سن ازدواج برای دختر نُه سال است.

د) تغییر دین تنها پس از تحقیق و بررسی، جایز است.

* دروزیه پیرو کدام مذهب فقهی هستند؟

الف) جعفری ب) حنفی ج) شافعی د) مالکی

اهل حق و نصیریه

نام اهل حق، نصیریه، علویان، یارسان و... برای افراد و گروهایی است که در مورد امام علی علیه السلام غلو کرده اند و برای اودرجه خدایی قائل هستند

گروههای مختلف اهل حق عقاید مختلف دارند. برخی صریحا امام علی علیه السلام را خدا میدانند و برخی شیطان را تقدیس میکنند بعضی دیگر عقاید خود را با امامیه هماهنگ میسازند

در مورد نحوه پیدایش فرقه اهل حق اقوال مختلفی است اما نقش سلطان اسحاق در شکل گیری آداب و عقاید این فرقه غیر قابل انکار است. کتاب **نامه سرانجام** که مجموعه سخنان اوست مهمترین منبع این فرقه محسوب میشود او برای تداوم آیین خود یارانش را سازماندهی کرد. وهم اکنون در آیین یارسان یازده خاندان وجود دارد.

آداب و رسوم اهل حق

- * سر سپردگی به یکی از خاندانهای یازدهگانه
- * سه روز روزه گرفتن در چلهی زمستان
- * رفتن به جمخانه و نیاز دادن به جای نماز خواندن

عقاید اهل حق

- * اعتقاد به مساله حلول و تناسخ

شهرستانی درباره فرقه نصیریه میگوید آنها امامان معصوم را خدا میدانند. نوبختی از محمد بن نصیر نمیری نام میبرد که به ده امام از ائمه معتقد بود اما درباره امام حسن عسگری علیه السلام غلو کرد و او را به درجه ربوبیت رساند. علویونی که در سوریه هستند لفظ نصیریه را مربوط به قرن ششم میدانند که با پیروان نمیری تفاوت دارد.

علویون خود را شیعه امامی می دانند و عقاید امامیه را قبول دارند و غلو علویون درباره ثمه را ناشی از جهل و دوری از علما میدانند.

تست ها:

- * مهمترین فرد مذهب اهل حق کیست؟

(الف) سلطان اسحاق

(ب) بهلول ماهی

(ج) شاه فضل ولی

(د) پیر بنیامین

* به اعتقاد اهل حق.....

- الف) روزه واجب، از دوازدهم چله بزرگ زمستان تا پانزدهم است
ب) یارستان هر ماه باید در جمخانه جمع شوند و مراسم خاصی را انجام دهند
ج) خداوند در وهله اول در جامه علی علیه السلام ظاهر شد و در وهله دوم جامه شاه خوشین و در وهله سوم در جامعه سلطان سحاک
د) انسان پس از مرگ وارد بدن دیگری می‌شود.

* کدام گزینه از عقاید نمیری است؟

- الف) غلو در مورد دوازده امام معصوم علیهم السلام
ب) غلو در مورد امام علی علیه السلام
ج) امام یازدهم امامیه، خداست
د) نمیری، امام غایب است.

شیخیه

به پیروان شیخ احمد احسایی شیخیه گفته میشود. و به واسطه برخی دیدگاههایش از سوی عدهای از علما با وی مخالفت شد و نخستین مخالفت آشکار با او از جانب محمد تقی برغانی معروف به شهید ثالث بود و حتی مورد تکفیر آنها قرار گرفت. بزرگترین و معروفترین اثر او شرح الزیارة الجامعة الکبیره است.

عقاید و آوا

احسایی معتقد است که عقل به صورت مستقل قادر به درک حقایق نیست بلکه تنه‌اره کشف معارف با کمک از انوار اهل بیت و مدد رساندن آنان به حقایق و علوم دست مییابیم

آرای احسایی

معروفترین رای احسایی درباره **کیفیت معاد جسمانی** است و همین نظریه دلیل اصلی تکفیر او از سوی علما و برغانی باشد او اصل معاد جسمانی که در آیات و احادیث متعدد بر آن تاکید شده می پذیرد اما تفسیر خاصی از جسم ارائه میدهد. بعد از آن مسأله معاد **امامت و جایگاهش در آفرینش** مشهورترین عقیده اوست. همین عقیده‌هاش باعث شد برخی او را در زمره غالیان قرار دهند. او معصومان را واسطه فیض خدا می‌داند به این معنی که خدا معصومان را خلق و آنها به اذن خدا موجودات دیگر را آفریدند. و این نقش را بر اساس علل اربعه ارسطویی توضیح میدهد.

از شاگردان احساسی سید کاظم رشتی است و منشأ اکثر آرای نادرست شیخیه اوست و از شاگردان سید کاظم میرزا علی محمد ملقب به باب بود که ادعای بابت و سپس نبوت نمود.

در آذربایجان سه طایفه به تبلیغ آرای احساسی پرداختند. خانواده‌های حجه الاسلام، ثقه الاسلام و احقاقی است. شاخه دیگر شیخیه مربوط به کرمان است که از جمله اختلافات آنها با شیخیه آذربایجان اینکه شیوه اخبارگیری داشتند و به تقلید از مراجع اعتقادی نداشتند ولی آذربایجانیها به اجتهاد و تقلید معتقد و خودشان هم به اجتهاد میپرداختند. دومین اختلاف آنها مسأله رکن رابع است.

تستها:

* کدام گزینه در مورد معاد شیخ احمد احساسی درست تر است؟

(الف) جسد اول پس از نفخه اول نابود می شود

(ب) انسان در برزخ با جسد دوم زندگی می کند.

(ج) جسم اول در قبر باقی می ماند

(د) بدن اخروی غیر از بدن دنیوی است

* اولین مخالفت آشکار با عقاید شیخیه از جانب چه کسی بود؟

الف) سید کاظم رشتی ب) میرزا علی محمد ج) محمد تقی برغانی د) شیخ زین الدین

بابیه و بهائیه

موسس فرقه بابیه سید علی محمد شیرازی است. او از ابتدا با فرقه شیخیه آشنا شد و بعد از مرگ سید کاظم رشتی به دنبال جانشینی برای او در این موقعیت سید علی محمد خود را مدعی بابت و طریق ارتباط با امام زمان (عج) معرفی و سپس ادعای نبوت کرد و به باب معروف شد. و برخی از پیروان سید کاظم هم از او تبعیت کردند. او کتابی با عنوان بیان که آن را کتاب آسمانی خود میدانست و به خاطر آرا و عقاید متناقضی که ابراز میکرد به دستور امیر کبیر اعدام شد.

بهایه

فرقه‌های منشعب از بابیه است بنیان گذار آن میرزا حسین علی نوری معروف به بهاءالله است. از نخستین گروندگان به فرقه بابیه میرزا حسین علی نوری و برادر کوچکش معروف به صبح ازل بودند. بعد از اعدام علی محمد، میرزا یحیی ادعای جانشینی او را کرد اما به دلیل سن کم میرزا حسین علی زمام کارها را به دست گرفت. امیر کبیر برای فرو نشاندن فتنه بابیان از میرزا حسین علی خواست ایران را ترک و به کربلا برود. بعد از مرگ امیر کبیر او به تهران برگشت.

به خاطر ادعای سید علی محمد به ظهور فردی بعد از خود که او را ((من ینظر الله)) نامیده بود میان میرزا یحیی و برادرش میرزا حسین علی اختلاف صورت گرفت. بابیهایی که ادعای میرزا یحیی را قبول داشتند ازلی نام گرفتند و پذیرندگان ادعای میرزا حسین علی بهایی خوانده شدند.

میرزا حسن علی مقامات زیادی برای خود ادعا کرد از جمله مقام الوهیت، شریعت جدید بود و کتاب اقدس را نوشت اما مهمترین کتاب او ایقان است. بعد از مرگش پسر بزرگش عباس افندی معروف به عبدالبها جانشین او شد. عبدالبها به خاطر سفری که به اروپا و آمریکا داشت فرهنگ غربی در تعالیمش اثر گذاشت.

بعد از او شوقی افندی فرزند ارشد دخترش جانشین او شد و به خاطر عقیم بودنش، همسرش، روحیه ماکسول و گروه ۲۷ نفره منتخب شوقی ملقب به ایادیان امر الله، بهاییان را به خود جلب و بیت العدل را در ۱۹۶۳ تاسیس کردند تا بعد از مرگ شوقی بر سر جانشینی او درگیری رخ ندهد.

آئینها و باورها:

اهمیت داشتن دو کتاب اقدس و ایقان، نوزده روزه در آخرین ماه سال و زیارت اماکن مقدس شامل منزل سید علی محمد در شیراز و منزل میرزا حسین علی در بغداد است و...

آیین بابی و بهایی از همان ابتدای پیدایش در میان مسلمانان به عنوان فرقه ضاله شناخته شد به خاطر تاریخ پر حادثه بهایی، نادرست در آمدن پیشگوییهای آنها و منازعات دور از ادب و حمایت‌های دولتهای استعماری بالاخص اسرائیل زمینه فعالیت آنها را در کشورهای اسلامی گرفت.

تستها:

* در حال زمان حاضر رهبری اکثر بهائیان بر عهده چه کسی است؟

الف) سماء اله ب) چارلز میس ج) روحیه ماکسول ب) ولی امراله

* از سخیف ترین و بارز ترین عقاید بهائیت.....

الف) اعتقاد به نبوت علی محمد و حسین علی ب) اعتقاد به نسخ دین اسلام

ج) اعتقاد به قایم موعود بودن علی محمد و حسین علی د) الوهیت علی محمد و حسین علی